

بیست و هفتمین گردهمایی مدیران گروه‌های آموزشی

سخنرانی دکتر رضا فرجی دانا

مشاور علمی آموزشی رئیس جمهور و رئیس هیأت مدیره انجمن آموزش مهندسی ایران

مورخ ۹۵/۴/۲۲

در بخش اول عرایض می‌خواهم به موضوعی اشاره کنم که به خصوص برای دانشگاه‌های برتر کشور بسیار مهم است و عاملی است برای ارتقای آموزش عالی و بدون شک گامی است که باید برداریم تا بتوانیم به قله‌های رفیعی که برای آموزش عالی ترسیم شده است، دست پیدا کنیم. بخش دوم صحبت‌های من اشاره دارد به مزیت نسبی دانشگاه تربیت مدرس که می‌تواند برای رقابت پذیر بودن دانشگاه مفید باشد و این موضوع، خاص دانشگاه تربیت مدرس است. وقتی به موضوع رقابت و رقابت‌پذیری برمی‌خوریم و از مزیت‌های نسبی برای رقابت نام می‌بریم، مطمئناً به مکانیزم‌های عرضه و تقاضای بازار آزاد نگاه می‌کنیم. وقتی شما عرضه‌کننده کالایی هستید که برای آن تقاضا وجود دارد و به دنبال آن هستید که آنچه را عرضه می‌کنید برای ذی‌نفعان خود جذاب باشد، به مزیت‌های نسبی نگاه می‌کنید و در واقع خود را برای رقابت در این بازار آماده می‌کنید. سالهاست که این مطلب جا افتاده است که آموزش عالی در یک مکانیزم عرضه و تقاضا می‌تواند پاسخگوی جامعه خود باشد. «دانشگاه پاسخگو» اصطلاحی است که من به جای دانشگاه autonomist (خود مختار - طرفدار استقلال) به کار می‌برم. چون اگر اصطلاح دانشگاه مستقل یا خود مختار را بکار ببریم، سریعاً باب سوءتفاهم با حاکمیت را برای خود باز کرده ایم و این یک واقعیت است. در حالی که در عمل اصلاً این چنین نیست. منظور از دانشگاه مستقل، دانشگاه پاسخگو است. یعنی دانشگاهی که بخواهد به نیازهای جامعه پاسخ دهد، دانشگاهی که چابک باشد و بخواهد به آنچه که تقاضای به حق مردم است، پاسخ دهد. دانشگاه اتونومیست بودن، راه پیموده‌ای است برای همه دانشگاه‌های جهان و در سایر کشورها این مفهوم، مسبقاً به سابقه است. ما متأسفانه ما هنوز در ابتدای راه و بعضاً دچار سوء تفاهم در کشمکش مفهوم این واژه هستیم. آموزش عالی ما قدمتی بیش از ۸۰ سال دارد که به نظر طولانی می‌آید ولی نه در مقایسه کنیم با سابقه ۸۰۰ ساله و یا شاید بیشتر آموزش عالی در بعضی از کشورها که در دهه ۵۰ و ۶۰، بعد از جنگ جهانی دوم، این مفهوم مورد بحث بوده و دانشگاهها برای اینکه بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند، طلب اختیارات می‌کردند و می‌خواستند اموری و اختیاراتی که برای پاسخگویی لازم دارند را درونی و مخصوص دانشگاه خود داشته باشند. در مجموعه مقالات IAU (International Association University) در حال جستجو بودم که مقالات برگزیده‌ای از مجامع عمومی IAU دارد. در سال ۱۹۶۰ مقاله‌ای نظرم را جلب کرد و بخش‌هایی از آن مقاله را در یک سخنرانی خدمت حضار عرض می‌کردم. مفهوم یک پاراگراف از این مقاله این بود که «دولتها دیگر به فکر دخالت سخت‌افزاری در دانشگاه‌ها نیستند، دولتها از مکانیزم‌های دیگری مثل بودجه، دادن امکانات و ... استفاده می‌کنند تا دانشگاهها را در جامعه بیشتر یکپارچه کنند»

و برای نیازمندیهای جامعه بیشتر آماده کنند.» لفظ دموکراتیک کردن دانشگاه ها را به کار برده و در جایی گفته است: «در کشور من در حال حاضر هیچ authority (قدرت و نفوذ) در حکومت وجود ندارد که در دانشگاه نفوذ و دخالتی بکند.» (این صحبت مربوط به سال ۱۹۶۰ است). از جمع حاضر پرسیدم فکر می‌کنید این صحبت‌های رئیس کدام دانشگاه است؟ یک عده از دوستان گفتند آمریکای شمالی، یک عده گفتند اروپا، اروپای غربی و ... من گفتم این ها صحبت های رئیس دانشگاه بلگراد در یوگسلاوی بود. یعنی یک دانشگاه بلوک شرقی که تحت کنترل کامل دولت بوده، این موضوع در آن، جا افتاده بوده است که دولت ها دیگر به فکر دست بردن و به فکر دخالت سخت افزاری در دانشگاه ها نیستند. دانشگاه باید مکانیزم های پاسخگویی‌اش درونی خودش باشد و با رفت و آمد دولت ها دچار تلاطم نشود، این امر یک واقعیت پذیرفته شده است.

دانشگاه تربیت مدرس از نظر ساختار، دانشگاه چابکی است و این چابکی باید یکی از مزیت‌های دانشگاه محسوب شود، به شرطی که لوازم autonomy را که داشتن اختیارات در درون تشکیلات خودش است را داشته باشد که بتواند به وظیفه خود در پاسخگویی عمل کند و بویژه پاسخگویی به نیازهای صنعت. اختیارات هیأت امانا باید بیشتر شود. در قانون تأسیس دانشگاه تهران (البته آن موقع وزارت علوم نبود)، آیین نامه تعلیماتی دانشکده‌های دانشگاه را در مقاطع مختلف به عهده شورای دانشگاه گذاشتند. یعنی دانشگاه در درون خود می تواند برای دوره هایی که عرضه می کند، تصمیم گیری کند. به طور مثال آیا در درباره دوره های دکتری، مثلاً پارلمان کشور باید تعیین کند که ۵۰٪ نمره آزمون ورودی، ملاک انتخاب باشد؟ وقتی که همه ما می‌دانیم استاد در دوره دکتری تعیین کننده ترین نقش را در پیشبرد آن دارد. این چیزی است که سال گذشته رخ داده و عزیزان همه این را می‌دانند. آیا دانشگاه ها باید ملزم باشند از مصوبه جمعی سیاستمدار (هر چند که با دلسوزی نوشته می شود) پیروی کند؟ بعضاً آنچه که آن سیاستمداران فکر می کنند در عمل ممکن است به بیراهه رود. دانشگاه شاید مجبور باشد در بعضی از امور تصمیمات دیگری برای خود بگیرد. از آیین نامه تعلیماتی گرفته تا ساختار تشکیلاتی و موارد اداری و مالی و ... آیا این موضوع در دولت تعارضی ایجاد می‌کند؟ آیا هیأت امانا باید برای سازمان مدیریت تعیین تکلیف کند؟ خیر این چنین نیست. حقیقتاً نمی دانم این برداشت غلط از کجا آمده که هیأت امانا بطور مثال می خواهد حقوق کارکنان و اعضای هیأت علمی را افزایش دهد و این را می‌نویسد و دولت ملزم است که این افزایش حقوق را اجرا کند. چنین مطلبی درست نیست. هیأت امانا در چارچوب منابعی که دانشگاه در اختیار دارد که یکی از منابع از جانب دولت تأمین می شود، می تواند اعمال نظر کند. اگر ما دانشگاه autonomous (خودگردان) داشته باشیم، یکی از تأمین کنندگان منابع مالی دانشگاه، دولت است. هیأت امانا با در نظر گرفتن همه منابع تصمیم می‌گیرد که مثلاً تمایز در حقوق‌ها باشد. می‌خواهد در حقوق‌ها عملکرد افراد دیده شود، حتماً در چارچوب منابع خود تصمیم می‌گیرد و این تعیین تکلیف برای کسی نیست. این امر اعمال حاکمیت است از دانشگاه بر دانشگاه، در محدوده اختیاراتی که دولت برای او تعیین کرده است.

بخش دوم عرایض مبتنی بر مزیت نسبی دانشگاه تربیت مدرس است. دانشگاه تربیت مدرس، یک graduate university است که شاید در دنیا کم نظیر و حتی بی‌نظیر باشد. شاید اصلاً دانشگاه graduate در دنیا نداشته باشیم. البته من منکر این نیستم که دوره های کارشناسی یا لیسانس چقدر برای دانشگاه ضروری است. صحبت من اصلاً در این مورد نیست. صحبت من اشاره به مزیت‌های نسبی این دانشگاه است که می تواند باعث شود دانشگاه گام های بلندی بردارد و آن هم مکانیزم هایی است که این روزها، هم در آموزش عالی، هم در عرصه ملی و هم بین‌المللی برای استفاده از

کمکهای خیرین مطرح است. حالا چرا در دانشگاه تربیت مدرس این موضوع ویژه تر از بقیه دانشگاه ها است؟ دانشگاه تهران تعداد بیشتری فارغ التحصیل دارد، اما در این دانشگاه، یک دانشجوی از زمان فارغ التحصیلی باید زمان زیادی را طی کند تا به اشتغال و به بهره برداری لازم برسد و منشاء اثر شود. اما دانشگاه تربیت مدرس، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارد و این خود یک مزیت است ولی باید از ابتدا سازوکاری برای ایجاد ارتباط و حفظ این ارتباط ایجاد کند. شنیده ام دانشگاه، alumni association (انجمن دانش آموختگان) دارد ولی ظاهراً خیلی فعال نیست. نباید این چنین باشد. این مطلب خیلی مهمی است که نباید از آن غفلت شود. دانشگاه های مشهور جهان با بودجه های خیلی کلان، حدود ۲۵٪ از هزینه های سالانه شان به خصوص در بخش های زیربنایی و زیرساخت ها از خیریه تأمین می شود. بعضی از دانشگاه ها مثل هاروارد، رکورددار هستند. یک سرمایه ۲۹/۵ میلیارد دلاری در هاروارد، هر ساله پول عمده ای را برای این دانشگاه تولید می کند. دانشگاه های یک رده پایین تر را هم که نگاه کنید، با بودجه های سالانه ۳ یا ۴ میلیارد دلاری، (۲۵٪ آن می شود تقریباً اندازه کل بودجه آموزش عالی کشور ما)، ۲۵٪ از بودجه دانشگاه استنفورد هم این طور که من از زبان رئیس دانشگاه شنیدم، از محل خیریه تأمین می شود. جالب است که بدانید شهریه چیزی حدود ۲۵ تا ۳۰٪ از بودجه دانشگاه را تشکیل می دهد. این نشان می دهد که شهریه، کیفیت را تضمین نمی کند. دانشگاه نباید گیر شهریه باشد که اگر بطور مثال ۱ دانشجوی را اخراج کنیم، یعنی ضعف مالی و کاهش بودجه. کسانی که خیلی سریع وارد بازار کار شده و خیلی سریع نقش آفرین می شوند را دانشگاه باید به عنوان یک asset (سرمایه) برای خود بداند و روی این asset، سرمایه گذاری کند. از ابتدا با ایجاد ارتباط در «انجمن دانش آموختگان» و بعد با حفظ این ارتباط و در نهایت با ایجاد یک «بنیاد». این روزها بنیادهای مختلفی در دانشگاه های مختلف در حال شکل گیری است. تجربه چند دانشگاه از جمله دانشکده فنی دانشگاه تهران در این زمینه خوشبختانه تا اندازه ای موفق بوده که الان در تمامی استان ها این بنیادهای دانشگاهی در حال شکل گیری هستند و دانشگاه تربیت مدرس نیز از نظر بنده از پتانسیل بالایی برخوردار است تا با تشکیل یکی از این بنیادها و نظم بخشیدن به ارتباطی که با فارغ التحصیلان و دوستداران خود دارد، به عنوان یک دانشگاه جوان به خاطر این مزیت نسبی، بتواند از این asset ها برای تأمین بسیاری از منابع مالی خود استفاده کند. حتماً هم باید به روش های نوینی که امروزه برای خیرین هست، گوشه چشمی داشته باشید. این روزها دیگر خیرین در عرصه آموزش عالی جهان، به فکر ساختمان سازی نیستند، بلکه کرسی پژوهش ایجاد می کنند، مرکز پژوهشی ایجاد می کنند، هزینه پژوهش می پردازند و ... تغییر بزرگی رخ داده است. به قول یکی از دوستان در واقع یک تحول بنیادی (paradigm shift) در حوزه فلسفه و خرد دانشگاه رخ داده است. عام المنفعه در دانشگاه های دنیا دچار یک تحول شده و زمانی که من برای فرصت مطالعاتی در کانادا بودم، آقایی بود که تولید کننده گوشی های موبایل blackberry بود. ایشان فکر می کنم ۱۰ یا ۲۰ مرکز پژوهشی برای دانشگاه های مختلف به اسم خودش تأسیس کرده بود یا شخص خیر دیگری که بخاطر موفقیت بزرگی که در صنعت کسب کرده، ساختمان نمی سازد ولی محلی می سازد که فیزیکدان های بزرگ دنیا را جمع می کند در یک شهر کوچک و در تولید دانش فیزیک، نقش آفرینی می کند. ان شاء... دانشگاه تربیت مدرس نیز از این الگوها به عنوان الگوهای موفق جهانی استفاده کند و مزیت های نسبی را در پتانسیل های خودش به صورت بالفعل در آورد.